

معرفی کوتاه

کتاب قطره اشکی در اقیانوس: گفت‌وگو با احمد شایگان شرح فعالیت‌های رفیق شایگان را طی حدود ۵۰ سال، از کنفدراسیون دانش‌جویان ایرانی تا جبهه‌ی ملی، گروه ستاره، گروه اتحاد کمونیستی و سازمان وحدت کمونیستی را دربر می‌گیرد. در عین حال، به پیشینه‌ی خانوادگی احمد شایگان به‌عنوان فرزند دکتر سیدعلی شایگان، زندگی شخصی، تحصیل، تدریس در دانشگاه و جنبه‌های مرتبط با آن‌ها نیز توجه شده است.

موضوع‌های پرشماری درباره‌ی فعالیت‌ها، نظریات، کشور در دوره‌ی حکومت شاه و جمهوری اسلامی، نیروهای مختلف چپ و مترقی در این گفت‌وگوها مطرح شده‌اند که در این جا تنها به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- فعالیت در کنفدراسیون دانش‌جویان ایرانی و سازمان‌های دانش‌جویان ایرانی در آمریکا؛ گرایش به چپ و ارتباط با جریان‌های چپ و مترقی.
- فعالیت در جبهه‌ی ملی، گروه ستاره، و گروه اتحاد کمونیستی.
- ارتباط گروه ستاره با سازمان چریک‌های فدایی خلق و مباحثه با آن سازمان بر سر استالینسم و مائوئیسم.

● سفر به لیبی و مسئولیت در رادیو میهن پرستان .

● رابطه با مبارزان فلسطینی.

● تغییر ایدئولوژی در سازمان مجاهدین خلق.

● بازگشت به ایران.

● شکل‌گیری سازمان وحدت کمونیستی.


● سازمان‌دهی در سازمان وحدت کمونیستی و دموکراسی درونی.

● مسئله‌ی انتخابات و نگاه س.و.ک به آن؛ مبارزه برای اتحاد عمل چپ،

دموکراسی و آزادی.

● نشریه‌ی رهائی.

- انجمن رهائی زن.
- جبهه‌ی دمکراتیک ملی؛ سازمان‌های دیگر چپ؛ تفرقه در چپ.
- حزب توده؛ راه رشد غیرسرمایه‌داری.
- مجاهدین خلق.
- رویدادهای پس از انقلاب؛ سفارت آمریکا و گروهان‌ها؛ انقلاب فرهنگی و دانشگاه؛ بنی‌صدر؛ خرداد ۱۳۶۰؛ سرکوب و دستگیری‌ها.
- سرمایه‌داری؛ امپریالیسم؛ جنگ؛ تضادهای طبقاتی؛ چپ نو.
- دستگیری بار نخست در سال ۱۳۶۰؛ بازجویی و شکنجه؛ بحث‌های مربوط به اعدام و زندان.
- ضربه‌خوردن سازمان وحدت کمونیستی در سال ۱۳۶۹ و دستگیری دوم.

نیز نگاه کنید به مطالب آغازین کتاب 

یاد یاران همیشه زنده — صالح نیک‌بخت

گرامی باد یاد و خاطره مردی که در مدتی که با وی در زندان اوین بودم بیش از هرکس از او نکته‌ها آموختم و آموخته‌هایم را پالایش کرد. دانستم برای انقلابی‌بودن پیش‌ازهرچیز باید خود را شناخت و ساخت. درسی که احمد شایگان به ما یاد داد؛ تا بتوانیم خلق را خدمت‌گزار باشیم. احمد شایگان از آن انقلابیونی بود که بیش‌از هرکس دیگر بر همدردان خود در اتاق‌های در بسته‌ی بند ۵ به‌اصطلاح آموزشگاهی که دژخیمان ساخته و در آن تحقیر و شکنجه‌ی زندانیان سیاسی را آموزش می‌دادند (۲۶ تا ۳۰ نفر در اتاقی ۶ در ۴ و شیفتی خوابیدن اسیران در این اتاق در بسته) اثر گذاشت و یاد داد چه‌گونه مخالفان فکری خود را تحمل کرده و با دشمنان خلق در ستیز بی‌پایان باشیم یعنی هم‌زمان دل‌ودشنه‌بودن و راه را پیمودن. عشق احمد انسان‌دوستی بود و ستیز با دشمنان انسان. زیستن با احمد شایگان آموزش

درس زندگی و مبارزه بود، و هر روز برآموخته‌ها افزودن و پالودن
پیش‌دانسته‌ها. هرگاه او را به یاد می‌آورم صدای بم و متین احمد را می‌شنوم:
برای مبارزه رنج‌ها باید کشید.

او شایگان زیست و شایگان مرد. قافله‌های یارانش همواره سوگوار نبودن
او.

صالح نیک‌بخت - چهارم آبان ۱۴۰۰

یادداشت کتاب رها (ناشر)

گفت‌وگو با احمد شایگان در روزهایی از اردیبهشت تا شهریور ۱۳۸۴ در
تهران ضبط شد. متن نوشتاری این گفت‌وگو (کتاب حاضر) مدتی پس از آن
به همت گفت‌وگوکننده‌ها آماده‌ی انتشار بود؛ گرچه امکان انتشار آن در ایران
فراهم نبود و هرگز فراهم نشد - تا به امروز هم.
انتشار کتاب در خارج از مرزهای ایران هم یک‌سره بی‌مخاطره نبود؛ در
وهله‌ی اول برای شخص احمد شایگان که آن زمان در ایران زندگی می‌کرد و
در وهله‌ی بعدی برای پاره‌یی از کسانی که در کتاب از آن‌ها نام برده شده و
در ایران به سر می‌برند یا به ایران رفت‌وآمد می‌کنند.

امروز که رفیق احمد شایگان دیگر در میان ما نیست [۱] یکی از موانع
اصلی انتشار کتاب در خارج از ایران به‌خودی‌خود برطرف شده است، برای
کسانی هم که در این کتاب نامی از آن‌ها برده شده و ما دسترسی به آن‌ها
نداشتیم تا از بی‌اشکال‌بودن آمدن نام‌شان مطمئن شویم به آوردن حرف اول
نام خانوادگی یا نام و نام خانوادگی آن‌ها اکتفا کرده‌ایم. در پاره‌یی از موارد
شاید رعایت این امر پس از گذشت سالیان دراز به «مته‌به‌خشخاش‌نهادن»
تعبیر شود، اما ما خود را اخلاقاً به رعایت این حق برای هرکس، در هر جا
پایبند می‌دانیم.

گذشته از این، در جاهایی از کتاب در پانوشت توضیحاتی را افزوده‌ایم (و هر بار، با آوردن حرف «و» در انتها، یادآور شده‌ایم که این افزوده‌ها از ویراستاران است) تا اطلاعات داده‌شده را تصحیح یا تکمیل کنیم. اطلاعات افزوده‌شده با اتکا به حافظه‌ی رفقای در دسترس فراهم آمده. با این حال، این کتاب نظریات و خاطرات رفیق احمد را در بر می‌گیرد و نمی‌توان مدعی شد که اطلاعات آن در کل بی‌کم‌وکاست است و کیست که نداند این خود ویژگی تاریخ شفاهی است که در اصل متکی به حافظه است. و بی‌اهمیت، اما لازم به تذکر است که در سراسر کتاب اشتباهات تایپی و دستوری را اصلاح کردیم بی هیچ خدشه‌یی به متن اثر. اما در متن پرسش‌ها تغییری نداده‌ایم. نمایه و عکس‌ها را هم ما برای کتاب فراهم آورده‌ایم.

کتاب رها

[۱] احمد شایگان، پس از دوره‌ای نسبتاً طولانی بیماری، چهارم آبان ۱۳۹۱ از میان ما رفت.

پیش‌گفتار گفت‌وگوکننده‌ها

«نقد سرمایه‌داری متأخر» نام سمیناری بود که در کلاس کوچکی از دانشگاه امیرکبیر در سال‌های آخر حاکمیت اصلاح‌طلبان برگزار شد و البته فرصتی برای ما تا با احمد شایگان از طریق دوستان مشترک آشنا شویم. در آن مقطع زمانی انجمن تاریخ شفاهی چپ سلسله مصاحبه‌هایی را در رابطه با «کنفدراسیون دانش‌جویان ایرانی خارج از کشور» پیش می‌برد و هدف آن یافتن یک دیدگاه کلی از خاستگاه اجتماعی و پایگاه طبقاتی فعالان کنفدراسیون بود. چنین مصاحبه‌یی با احمد شایگان نیز صورت گرفت و در شماره‌ی ۹ مجله‌ی نقد نو

چاپ شد. این مصاحبه نه در مجموعه‌ی نقد عمل کرد و نه با رویکرد تاریخ شفاهی انجام گرفته بود بلکه در نظر داشتیم که فعالان دانش جویی در آن مقطع زمانی با تجربه‌ی کنفدراسیون، ساختار، فعالان و روابط درونی آن آشنا شوند. این مسأله به جدالی بین نیروهای فعال در انجمن‌های اسلامی (و دفتر تحکیم وحدت) از یک سو و فعالان سکولار و چپ از سوی دیگر بازمی‌گشت.

اعضای دفتر تحکیم وحدت برای بیرون آمدن از بن‌بست تشکیلاتی — در آن سال‌ها — مسأله‌ی پارلمان دانش جویی را مطرح می‌کردند و در مقابل نیروهای فعال سکولار و اکثراً چپ‌گرا، تجربه‌ی کنفدراسیون را اصالت می‌دادند و خواهان تشکیلاتی جایگزین دفتر تحکیم بودند که معنای کاملاً دانش جویی داشته، ضد استبداد و استعمار باشد و مشروعیت خود را از تأیید حاکمیت یا بخشی از آن نگیرد. برای خوانندگانی که با فضای آن سال‌ها تاحدودی آشنایند البته این توضیح ملال‌آور است که نیروهای اصلاح‌طلب درون وزارت علوم از پارلمان دانش جویی پس از طرح آن توسط دفتر تحکیم به شدت حمایت می‌کردند و خطوطی را که به تجربه‌ی کنفدراسیون اصالت می‌دادند «چپ» و «لاجرم «غیرخودی» می‌دانستند.

این مصاحبه‌ها در حقیقت تلاشی بود کوچک در راستای تئوری‌پردازی و نهادسازی با کمک بازخوانی گذشته. اما پس از مصاحبه‌ی اول و با توجه به سابقه‌ی خانوادگی، سطح تئوریک و تشکیلاتی احمد شایگان، انجمن تاریخ شفاهی به این نتیجه رسید که روایت فعالیت در کنفدراسیون و پس از آن سازمان وحدت کمونیستی را از زبان ایشان به‌طور کامل بشنود.

اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ اولین بخش این مصاحبه‌ها آغاز شد و شهریور ماه همان سال پس از ۲۲ ساعت مصاحبه‌ها پایان گرفت. محوریت سؤال‌ها علاوه بر آن‌که به فعالیت‌های جمعی می‌پرداخت نظرگاه و جایگاه فرد را نیز در آن

مقطع مدّ نظر داشت. اما از نقطه نظر توالی زمانی سؤال‌ها را به دو گونه‌ی زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

الف) پرسش‌های مربوط به کنفدراسیون که در ابتدای مصاحبه‌ها پرسیده شده است و بیش‌تر جست‌وجویی است در رابطه با نحوه‌ی آشنایی، روابط دمکراتیک یا غیردمکراتیک، فعالیت‌های علنی، چگونگی تغییر خط‌مشی جبهه‌ی ملی به چپ و سپس حرکت‌های مسلحانه، علل و عوارض انشعاب، از هم‌پاشیدگی کنفدراسیون، بازگشت به ایران و دیگر مواردی که از جزئیات می‌پرسد و در خلال پرسش‌ها آمده است. در این مقطع پرسش‌های انتقادی بیش‌تر از دو منظر طراحی شده‌اند. ابتدا خوش‌بینی جریان متبوع به جنبش چریکی و علل آن و دوّم آن‌که چرا نقش دین و روشن‌فکران مستقر و اندام‌واری جنبش مذهبی - شیعی به‌خوبی شناخته نشده بود.

ب) قسمت دیگر سؤال‌ها به مقطع قیام بهمن ۱۳۵۷ بازمی‌گردد، که بازگشت به ایران، روابط ایجادشده، سازمان‌دهی تشکیلات، انتخاب نام، تنظیم روابط با دیگر نیروهای چپ، میزان دمکراتیک‌بودن ساختار، نحوه‌ی موضع‌گیری و مقابله با جمهوری اسلامی، فعالیت‌های انتشاراتی (چون هفته‌نامه‌ی رهائی و چاپ دیگر کتب سازمان) را تا مقطع سال ۶۰ جست‌وجو می‌کند.

ج) مسائل زندان، سؤال‌هایی که از احوالات شخصی و حوادث ناخوش‌آیندی که در آن مقطع وجود داشته اگرچه از اهمیت «انسان - نگارانه‌ی» برخوردار است ولی از اطلاعات حزبی چندانی - به دلایلی که خوانندگان در متن خواهند دید - برخوردار نیست.

د) همه‌ی آن‌چه ذکر شد البته بی‌معنا می‌بود اگر شخص احمد شایگان در این تاریخ سراسر تلاش نادیده گرفته می‌شد. پس خوانندگان می‌توانند با احساسات، نگرش‌ها و موضع‌گیری‌هایی که گاه در برآیندهای سازمانی و

تشکیلاتی اثری از آن وجود ندارد، آشنا شوند و فرد را در پویه‌ی تاریخی نه منزوی از فرآیند بلکه به‌عنوان عاملی کنش‌گر مشاهده کنند تا آن سخن‌بار دیگر معنای خود را بیابد که انسان آزاد زاده می‌شود نه در شرایطی دلخواه «ولی انسان می‌تواند در حدود امکانات تاریخی عصر خود در جامعه مؤثر افتد و با کوشش آگاهانه، بر سرعت تکامل اجتماعی بیافزاید و تاریخ‌آفرین گردد.»

نگارندگان این پیش‌گفتار ذکر این موضوع را بر خود لازم می‌بینند که به علت هم‌نظری‌های بسیار با این جریان (به‌خصوص از لحاظ موضع‌گیری‌ها در قبال حاکمیت، شناخت هوشمندانه‌ی ماهیت آن و از همه مهم‌تر روابط دمکراتیک درونی) شاید آن‌چنان که شایسته‌ی رویکرد تاریخ‌شفاهی است عمل‌کرده‌های این سازمان را به چالش نکشیده‌اند.

این سخن البته هنگامی بیش‌تر تأیید می‌شود که بدانیم تعداد محدود اعضاء و گستره‌ی اندک سازمان اجازه‌ی فعالیت گسترده را به این جریان نمی‌داده است. لاجرم مسائلی که به سازمان‌های وسیع‌تر مانند حزب توده ایران یا سازمان فدائیان خلق مترتب بوده بر این سازمان حادث نشده است. در کلام آخر شاید نظر نگارندگان را به این صورت بتوان جمع‌بندی کرد که تجربه‌ی دمکراتیک و سطح بالای تحلیل‌های سازمان وحدت کمونیستی تجربه‌ی بی‌یگانگی است. به‌خصوص در زمانه‌ی که گرایش‌های دمکراتیک در اندیشه‌ی چپ آن دوران کم‌رنگ می‌نمود. امید است فعالیت‌های چپ آینده از این تجربه‌ی زیسته بسیار رنگ و نشان بگیرد.

خوانندگان آگاه البته واقفاند که آنچه به صورت کتاب پیش روی آنان است حاصل تلاشی جمعی است. جست‌وجوی منابع تحقیق، طراحی سئوال‌ها، حضور در مصاحبه‌ها، پیاده‌سازی نوارها، تایپ کم‌غلط و ویراستاری اولیه

روندی نیست که امضاکنندگان پیش‌گفتار می‌توانستند به‌تنهایی به انجام برسانند. پس بر خود لازم می‌بینیم از جوانه و مهناز عزیز و دیگر کسانی که بی‌یاری‌شان این کار به سرانجام نمی‌رسید، تشکر کنیم این تقدیر مطمئناً ناتمام خواهند ماند اگر از هم‌راهی بی‌دریغ و صادقانه‌ی احمد شایگان نامی برده نشود.

اویی که با رویی خوش پذیرای ما بود و خود ویراستاری اولیه مصاحبه‌ها را نیز تقبل کرد. جنبش چپ ایران به داشتن چنین فعالان و مبارزانی است که پس از این‌همه سال سرکوب و تحذیر هنوز پابرجاست.

در تاروپود بافته‌ی خلق می‌دود

با هر نوای نغزش رازی نهفته را

تعبیر می‌کند

و ز هر نوایش

این نکته گشته فاش

کاین کهنه دستگاه

تغییر می‌کند

نیمایوشیج ۱۳۲۳

بخشی از شعر ناقوس

انجمن تاریخ شفاهی چپ ایران